

باورهای کهن بدوی در روایات زردشتی و شاهنامه فردوسی (با تأکید بر شاهنامه مصور کتابخانه پاریس)

چکیده

قبایل بدوی عقایدی کهن داشتند که برخاسته از حس فطری خداجویی در میان آنان بود؛ این عقاید که در ادوار مختلف به صورت مانا، فتیش، آنمیزیم، سحر و جادو، آیین قربانی و توتّم جلوه گر شده است، در طی فرایند فطری، اعتقادی و ذهنی بشر پیدا شد. این عقاید پس از جلوه در آیین‌ها و ادیان مختلف، در گستره تدریجی تکامل خود بر زندگی امروز بشر نیز سایه افکنده است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی براساس منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در این پژوهش، همسانی صوری که به دنبال اشتراک لایه جمعی ذهن ناخودآگاه و با نگاه محدود و ذهن محصور بشر آن روزگار تحلیل شد و در صورت اعتقادی بنیادین قرار گرفت. در بین این باورها به فتیش، توتّم و سحر و جادو بیشترین توجه را داشته است که برخی با حفظ نام و نشان خود در اساطیر و حماسه‌های ایرانی راه یافته است. در این روند برخی از باورها بدون یادکردی از پیشینه‌شان در باورهای عامیانه، نشانی پررنگ دارد که بعضاً با مطالعات ژنتیکی و روان‌شناختی از حیطة خرافه به دنیای علم کشیده می‌شوند. در این تحقیق سعی بر آن است که پس از بیان باورهای کهن بدوی به نشانه‌های آن در روایات ودایی، زردشتی و اساطیر دیگر اشاره شود و علت همسانی آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی باورهای کهن بدوی در روایات زردشتی.
۲. بررسی باورهای کهن بدوی در شاهنامه با تأکید بر شاهنامه مصور کتابخانه پاریس.

سوالات پژوهش:

۱. باورهای کهن بدوی در روایات زردشتی چگونه منعکس شده است؟
 ۲. باورهای کهن بدوی در شاهنامه با تأکید بر شاهنامه مصور کتابخانه پاریس چگونه بارتاب یافته است؟
- کلیدواژه‌ها:** باور، عقیده، خداجویی، مانا، فتیش.

مقدمه

بشر در طول تاریخ از آغاز تا امروز همواره به دنبال نیرویی فوق انسانی بوده است؛ نیرویی که در همه جا و همه چیز جریان داشته باشد؛ قدرتی فراطبیعی که در هنگام سختی و نیاز، یاری‌رسان باشد. برای انسان کهن هر آنچه که مفهوم فوق‌بشری داشت، خدا نام می‌گرفت؛ خدایی که تقاضای وجودی آن فطری بود. سیر تدریجی تکامل انسان‌های حیوان‌نما، زندگی، ارتباط و اتحاد با طبیعت بکر آن روزگار و حوادث مختلفی که ذهن و نگاه بشر را به خود جلب می‌کرد، سبب پیدایش خدایان مختلفی شد که از عناصر مختلف طبیعت برخاسته بودند که بعدها عناصر انتزاعی نیز به این گستره اضافه شدند. پس از آنکه بشر در روند تکاملی خود از طبیعت فاصله گرفت و به دنبال خدایی بود که قدرتی فراتر از خدایان دیگر داشته باشد؛ خدای یکتایی که خالق انسان، خدایان و باشندگان دیگر باشد؛ خدایی که نخست در آسمان جای داشت و به تدریج حضور آن در همه چیز و همه جا احساس می‌شد و انسان به تمنای فطرت خود در یک سیر ماندلایی به عظمت وجود آن رسیده بود؛ ضمن آنکه راهبران و پیامبران الهی وجود آن خالق یکتای عظیم را گوشزد کردند و عقل بشر آن را به اثبات رساند. انسان از آغاز خلقت به دنبال جبران نیازهای خلاء وجودی خود- جهت تکیه و تقدس وجودی برتر- پرستش‌های مختلفی داشت، پرستش‌هایی که به دنبال ترس، محبت، زیبایی، فطری و... صورت‌های گونه‌گون داشت و گاه با آیین‌ها و عقایدی نیز همراه بود. در عصر حجر، نتاندرتال‌ها و کرومانیون‌ها این خلاء را با پرستش مردگان پر می‌کردند و در عصر جدید حجری یعنی عصر نئولیتیک علاوه بر تقدس مردگان، پرستش مظاهر مختلف طبیعت به خصوص آفتاب و ماه گسترش پیدا کرد و عقاید مربوط به سحر و جادو و فیتیش پا گرفت.

پژوهشگران با بررسی آثار و نگاره‌های قبایل کهن و تطبیق آن با عقاید کنونی برخی از قبایل وحشی استرالیا و آمریکا به دسته‌ای از صفات و نقاط مشترک پی برده‌اند که برخی از نشانه‌های آن را می‌توان در برخی از عقاید درست و نادرست جوامع متمدن امروز هم مشاهده کرد. احترام به شیء مقدس، اعتقاد به مانا، سحر و جادو، فیتیش، آنیمیزم و ... دسته‌ای از صفات مشترک شناخته شده در بین قبایل بدوی دیروز و امروز است که در لایه‌های جمعی ناخودآگاه ذهن بشر متمدن امروز باقی مانده و گاه با حضور خود به دنبال قدرت عظیم ذهنی به صورت یک اعتقاد واقع به ظهور می‌رسد. بسیاری از این عقاید به طور مستقیم و از طریق افسانه‌ها و حکایات به نسل‌های بعدی رسیده و گاه حضور آن را می‌توان به صورت سایه‌ای تاریک و یا نشانه‌ای روشن در آثار اسطوره‌ای و حماسی مشاهده نمود.

درباره باورهای کهن بدوی در اوستا و شاهنامه، پژوهش‌هایی صورت گرفته که از آن جمله می‌توان موسوی و مددی (۱۳۸۹) با عنوان «بازتاب باورهای اساطیری رستنی‌ها در شاهنامه فردوسی» اشاره کرد. از خان محمدی و بیگدلو (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «جاندارنگاری عناصر طبیعی و هوشمندی حیوانات و موجودات ماورایی در شاهنامه» به بررسی این مقوله پرداخته است. از مقالات دیگر می‌توان به «قربانی کردن از دیدگاه قبایل ابتدایی در مغرب زمین و منظر قرآن» از مهدی‌زاده (۱۳۹۲)، مقاله «توتم در داستان‌های شاهنامه» از آقای کزازی و فرقدانی (۱۳۸۶)، مقاله نمود آتش در شاهنامه و باورهای مردم نوشته مهین مسرت (۱۳۹۷)؛ «بررسی تطبیقی اسطوره گاو در اساطیر ملل مختلف» نوشته شده توسط از سجادی‌راد و سجادی‌راد (۱۳۹۰)، «قربانی کردن از دیدگاه قبایل ابتدایی در مغرب زمین و منظر قرآن» نوشته مهدی‌زاده (۱۳۹۲)، «توتم در داستان‌های شاهنامه» نگاشته شده توسط کزازی و فرقدانی (۱۳۸۶) اشاره کرد. در این پژوهش‌های ارزنده، پژوهشگران محترم به تحقیق در یکی از زمینه‌ها و باورهای مربوط به آن پرداخته‌اند و در پژوهش حاضر درباره تمامی باورهای کهن بدوی در اوستا، شاهنامه و بررسی وجوه مشترک هر

یک از آن‌ها پرداخته شده است. شاهنامه فردوسی از جمله آثاری است که برخی از عقاید کهن بشری در آن جلوه‌گر است، بسیاری از حکایات و روایات این کتاب مبتنی بر تخیل، تاریخ و یا آمیزه‌ای از آن دو است؛ این کتاب با ذکر پادشاهی کیومرث و سیر تدریجی تکامل عقاید، آیین‌ها و تمدن بشری آغاز می‌شود؛ از این‌رو، بسیاری از صفات و عقاید کهن، در شاهنامه حضوری مستقیم و غیرمستقیم دارد که جهت بررسی آن لازم است که نخست هر یک مورد بررسی قرار گیرند و پس از آن به برخی از موارد حاضر در شاهنامه و یا اساطیر دیگر اشاره شود.

نتیجه‌گیری

مانا، فتیش و سحر و جادو، آیین قربانی و توتم از مراحل اعتقادی اقوام بشری است که در یک گستره تدریجی و در طی یک فرایند عینی و ذهنی و یا به‌دنبال نیاز فطری انسان جهت تکیه و تقدس بر یک نیروی فراطبیعی به‌وجود آمده‌اند. درگیری‌های ذهنی انسان در باب خلقت و زندگی پس از مرگ نیز در پیدایی این عقاید مؤثر بوده است، بسیاری از این عقاید از روی ترس، محبت، زیبایی، دفع شر، جلب خیر، بهبود شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شکل گرفته‌اند که با فراموشی علت آن در ضمن آیین‌ها و مراسم مختلف در میان باور و فرهنگ مردم امروز هم نشانه‌هایی برجای گذاشته است.

باورهای گذشته در روایات زردشتی و شاهنامه فردوسی نیز حضوری برجسته دارند که در میان این عقاید، توتم‌ها بیشترین کاربرد را دارند، اعتقاد به باور توتمیک امتدادی از گستره عقیده مانایی، آنمیزیم و فیتیشیم است که در میان انواع آن، توتم‌های حیوانی بالاترین بسامد را دارند که نقش توتمیک آن‌ها با توجه به برخی از نشانه‌های موجود در اوستا و شاهنامه تقویت می‌گردد. در ضمن بررسی عقاید کهن در روایات اسطوره‌ای و حماسی آریایی و ملل دیگر گاه به شباهت‌هایی هم برمی‌خوریم که علت اصلی آن مربوط به نگاه محدود و یکسان بشر ابتدایی به محیط اطراف، شرایط مشترک اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی بشر، نیازهای فطری و لایه جمعی ذهن ناخودآگاه انسان، درگیری‌ها و فرافکنی‌های ذهنی مشترک و اشتراک ذاتی انسان‌هاست.

منابع و مأخذ:

- استروس، کلودلوی. (۱۳۶۱). توتمیسم. ترجمه: مسعود راد، تهران: انتشارات طوس.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۲). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه: جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.
- ایونس، ورونیکا. (۱۳۷۳). اساطیر هند. ترجمه: باجلان فرجی، تهران: نشر گلشن.
- بختورتاش، نصرت‌الله. (۱۳۸۴). تاریخ پرچم ایران (درفش ایران از باستان تا امروز). تهران: نشر بهجت.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۴). جستاری چند در فرهنگ ایران. تهران: نشر فکر روز.
- پرون، استیوارت. (۱۳۸۱). اساطیر رم. ترجمه: باجلان فرخی باجلان و محمدحسین فرخی، تهران: انتشارات اساطیر.
- پورداوود، ابراهیم. (۲۵۳۶). یشت‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تفضلی، احمد. (۱۳۴۶). مینوی خرد. تهران: انتشارات توس.
- حصوری، علی. (۱۳۷۸). سیاوشان. تهران: نشر چشمه.
- دادگی، فرنیغ. (۱۳۸۵). بندهش. گزارش: مهرداد بهار، تهران: نشر توس.
- دوبوکور، مونیک. (۱۳۷۶). رمزهای زنده جهان. ترجمه: جلال ستاری، تهران: نشر مرکز.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۸۵). اوستا. تهران: نشر مروارید.

- (۱۳۷۷). اوستا. تهران: انتشارات مروارید.
- دیاکونوف، م. م. (۱۳۴۶). تاریخ ایران باستان. ترجمه: روحی ارباب، م. تهران: نشر طهوری.
- راشد محصل، محمدتقی. (۱۳۸۹). دینکرد هفتم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضایی، مهدی. (۱۳۸۳). آفرینش و مرگ در اساطیر. تهران: نشر اساطیر.
- رضی، هاشم. (۱۳۴۶). فرهنگ نام‌های اوستا. تهران: نشر فروهر.
- (۱۳۸۲). دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زردشت. تهران: نشر سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۴). روزگاران. تهران: انتشارات سخن.
- ژینیو، فیلیپ. (۱۳۸۲). ارداویراف‌نامه. ترجمه: ژاله آموزگار، تهران: انتشارات معین.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۷۸). از رنگ گل تا رنج خار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شاله، فلیسین. (۱۳۵۵). تاریخ مختصر ادیان جهان. ترجمه: خدایار محبی و منوچهر محبی، تهران: نشر طهوری.
- عطایی، امید. (۱۳۷۷). راز داستان‌های اوستایی. تهران: نشر عطایی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). شاهنامه فردوسی. به تصحیح: ژول مول، تهران: نشر الهام.
- فون فرنس، ماری لوئیز. (۱۳۸۳). فرایند فردیت در افسانه‌های پریان. ترجمه: زهرا قاضی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کویاجی، جهانگیر. (۱۳۵۳). آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان. ترجمه: جلیل دوست‌خواه، تهران: انتشارات فرانکلین.
- (۱۳۸۰). بنیادهای اسطوره و حماسه ایران. گزارش و ویرایش: جلیل دوست‌خواه، تهران: انتشارات آگه.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۷۱). آفرین فردوسی. تهران: انتشارات مروارید.
- مختاری، محمد. (۱۳۷۹). اسطوره زال. تهران: نشر توس.
- ناس، جان بایر. (۱۳۴۴). تاریخ جامع ادیان. ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: نشر پیروز به همکاری انتشارات فرانکلین.
- هال، جیمز. (۱۳۸۳). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- همیلتون، ادیت. (۱۳۸۳). سیری در اساطیر یونان و روم. ترجمه: عبدالحسین شریفیان، تهران: انتشارات اساطیر.
- هینلز، جان راسل. (۱۳۸۳). شناخت اساطیر ایران. ترجمه: باجلان فرجی، تهران: نشر اساطیر.